به نام یزدان پاک

همه سوال های

دکترای تخصصی (Ph.D)

علوم اجتماعی

۱۴۰۴–۱۴۰۵

گردآورندگان
گروه مولفین پردازش

فهرست مطالب

جدول فراوانی
مقدمه تحلیلی
پیش گفتار ۷

آزمون دکترای علوم اجتماعی ۱۴۰۴

جامعه‌شناسی توسعه ـ جامعه‌شناسی ادبیات ـ بررسی مسائل اجتماعی ایران ... ۹
پاسخ‌نامه جامعه‌شناسی توسعه ـ جامعه‌شناسی ادبیات ـ بررسی مسائل اجتماعی ایران ... ۱۲
نظریه‌های جامعه‌شناسی - آمار و روش تحقیق پیشرفته (کمّی و کیفی) ۳۱
پاسخ‌نامه نظریه‌های جامعه‌شناسی - آمار و روش تحقیق پیشرفته (کمّی و کیفی) ۳۷

آزمون دکترای علوم اجتماعی ۱۴۰۵

جامعه‌شناسی توسعه ـ جامعه‌شناسی ادبیات ـ بررسی مسائل اجتماعی ایران ... ۸۰
پاسخ‌نامه جامعه‌شناسی توسعه ـ جامعه‌شناسی ادبیات ـ بررسی مسائل اجتماعی ایران ... ۸۳
نظریه‌های جامعه‌شناسی - آمار و روش تحقیق پیشرفته (کمّی و کیفی) ۱۰۴
پاسخ‌نامه نظریه‌های جامعه‌شناسی - آمار و روش تحقیق پیشرفته (کمّی و کیفی) ۱۱۱
وازه نامه ۱۵۹
ضمایم ۱۷۱
نمایه موضوعی ۱۷۹
منابع ۱۸۷

تحلیل جامع و جداول توزیع فراوانی سؤالات آزمون دکتری علوم اجتماعی (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)

جدول ۱: توزیع فراوانی موضوعی سؤالات تخصصی آزمون دکتری علوم اجتماعی

حوزه اصلی و مباحث فرعی	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	مجموع	درصد فراوانی
۱. نظریه‌های جامعه‌شناسی								
۱.۱ نظریه‌های کلاسیک (مارکس، دورکیم، وبر، زیمل، کنت، اسپنسر، پارتو)	۱۲	۱۱	۹	۱۱	۱۰	۱۰	۶۳	۱۲.۶٪
۱.۲ کارکردگرایی، ساختارگرایی و نوکارکردگرایی (پارسونز، مرتن، بلاو، الگزندر)	۵	۵	۴	۵	۵	۵	۲۹	۵.۸٪
۱.۳ نظریه‌های خرد، تفسیری و تعاملی (کنش متقابل، پدیدارشناسی شوتس، گافمن، گارفینکل)	۶	۶	۵	۶	۷	۷	۳۷	۷.۴٪
۱.۴ مکتب انتقادی، نظریه‌های معاصر و پساساختارگرایی (فرانکفورت، هابرماس، فوکو، بوردیو، باومن، گیدنز)	۷	۸	۷	۸	۸	۸	۴۶	۹.۲٪
۲. آمار و روش تحقیق پیشرفته (کمی و کیفی)								
۲.۱ روش‌های تحقیق کیفی (داده‌بنیاد/گراندد تئوری، پدیدارشناسی، قوم‌نگاری، تحلیل گفتمان و روایت)	۱۴	۱۳	۹	۱۰	۱۰	۱۰	۶۶	۱۳.۲٪
۲.۲ روش تحقیق کمی، نمونه‌گیری و سنجش (اعتبار، روایی، پایایی، ابزارسازی و سطوح سنجش)	۸	۸	۷	۷	۷	۷	۴۴	۸.۸٪
۲.۳ آمار استنباطی و مدل‌سازی چندمتغیره (رگرسیون خطی و	۸	۹	۹	۸	۸	۸	۵۰	۱۰.۰٪

حوزه اصلی و مباحث فرعی	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	مجموع	درصد فراوانی
لجستیک، تحلیل عاملی، تحلیل مسیر و SEM)								
۳. جامعه‌شناسی توسعه								
۳.۱ مکاتب و نظریه‌های کلاسیک و مدرن توسعه (نوسازی، وابستگی، نظام جهانی)	۳	۳	۳	۳	۳	۳	۱۸	۳.۶٪
۳.۲ رویکردهای نوین و بدیل توسعه (توسعه پایدار، انسانی، قابلیت، پساتوسعه، توانمندسازی)	۳	۳	۳	۲	۲	۲	۱۵	۳.۰٪
۴. جامعه‌شناسی ادبیات								
۴.۱ مبانی، نقد ادبی و جامعه‌شناسی محتوا (لوکاچ، گلدمن، فرمالیسم و ساختارگرایی)	۴	۴	۳	۳	۳	۳	۲۰	۴.۰٪
۴.۲ فرآیند تولید، توزیع، مصرف و گونه‌های ادبی (اسکارپیت، خواننده، ادبیات عامه)	۲	۲	۳	۲	۲	۲	۱۳	۲.۶٪
۵. بررسی مسائل اجتماعی ایران								
۵.۱ تعاریف، رویکردهای نظری و پارادایم‌های مسائل اجتماعی (کارکردی، تضاد، برساخت‌گرایی)	۴	۴	۴	۳	۳	۳	۲۱	۴.۲٪
۵.۲ مسائل انضمامی (فقر، نابرابری، اعتیاد، بی‌خانمانی، تبعیض جنسی و سنی)	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۱۲	۲.۴٪
۶. جامعه‌شناسی روستایی								
۶.۱ ساختار ارضی و نظام‌های سنتی تولید (ارباب‌رعیتی، بنه، مزارعه، تقاوی، تیول)	۳	۴	۳	۳	۳	۳	۱۹	۳.۸٪

حوزه اصلی و مباحث فرعی	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲	۱۴۰۳	۱۴۰۴	۱۴۰۵	مجموع	درصد فراوانی
۶.۲ تحولات پس از اصلاحات ارضی و توسعه روستایی (مشاع، طرح هادی، مسائل آب و اقلیم)	۳	۲	۳	۲	۲	۲	۱۴	۲.۸٪
۷. جامعه‌شناسی سیاسی								
۷.۱ نظریه‌های دولت، قدرت، نخبگان و اقتدار (وبر، مارکس، تیلی، اوفه)	۳	۳	۳	۲	۳	۲	۱۶	۳.۲٪
۷.۲ جنبش‌های اجتماعی، دموکراسی و سیاست فرهنگی (ملوچی، تورن، لاکلائو و موفه، هابرماس)	۳	۳	۳	۳	۲	۳	۱۷	۳.۴٪
مجموع کل سؤالات تخصصی در هر سال	۹۰	۹۰	۸۰	۸۰	۸۰	۸۰	۵۰۰	۱۰۰٪

گزارش تحلیلی و توصیه‌های راهبردی برای تدوین درس‌نامه و مطالعه داوطلبان

۱. تحلیل روند توزیع سؤالات دروس تخصصی:

بررسی ۵۰۰ سؤال دروس تخصصی در ۶ سال اخیر نشان می‌دهد که دو درس «نظریه‌های جامعه‌شناسی» با ۳۵ درصد و «آمار و روش تحقیق پیشرفته» با ۳۲ درصد، درمجموع ۶۷ درصد (بیش از دو سوم) وزن آزمون دکتری علوم اجتماعی را به خود اختصاص داده‌اند. پنج درس موضوعی دیگر (توسعه، ادبیات، مسائل اجتماعی ایران، روستایی و سیاسی) هرکدام سهمی معادل ۶.۶ درصد دارند.

۲. مباحث کلیدی با بیشترین تکرار:

- **آمار کاربردی و تفسیر خروجی‌ها:** تمرکز طراحان از فرمول‌های محض به سمت تفسیر خروجی جداول نرم‌افزار SPSS تغییر یافته است؛ به‌ویژه جداول رگرسیون چندگانه، رگرسیون لجستیک و نسبت بخت $Exp(B)$، بارهای عاملی در ماتریس دوران‌یافته و شاخص‌های برازش تحلیل مسیر.
- **روش‌های کیفی:** مراحل سه‌گانه کدگذاری در نظریه داده‌بنیاد (باز، محوری و انتخابی)، مدل پارادایمی استراوس و کوربین، تحلیل گفتمان فرکلاف و اصول مردم‌نگاری و پدیدارشناسی، بخش پربسامد سؤالات روش تحقیق را تشکیل می‌دهند.
- **نظریه‌های کلیدی کلاسیک و معاصر:** مفاهیم علیت تاریخی و تفهم ماکس وبر، آنومی و خودکشی دورکیم، نظریه انتقادی هابرماس، صورت‌بندی قدرت/دانش و تبارشناسی فوکو، و میدان و انواع سرمایه پیر بوردیو هر ساله به‌طور مستمر تکرار شده‌اند.

۳. توصیه‌های راهبردی برای نگارش درس‌نامه:

- **تقدم فصول بر اساس ضریب تکرار:** ساختار درس‌نامه باید با فصول «نظریه‌های جامعه‌شناسی» و «آمار و روش تحقیق» آغاز شود تا بخش اعظم انرژی و زمان مطالعه داوطلب به بخش‌های با بیشترین ضریب اختصاص یابد.
- **آموزش تصویری خروجی‌های آماری:** در درس‌نامه حتماً باید برش‌های گرافیکی جداول استاندارد SPSS و نمودارهای علی تحلیل مسیر درج شود و نحوه خواندن ضرایب استاندارد (Beta)، معناداری (Sig) و مقادیر آزمون والد تحلیل و تشریح گردد.
- **تجمیع الگوهای تکراری دروس موضوعی:** در دروس توسعه (مکاتب نوسازی، وابستگی و رویکرد قابلیت سن)، ادبیات (ساختارگرایی تکوینی گلدمن و قهرمان پروبلماتیک)، روستایی (بنه، تقاوی و اصلاحات ارضی)، و سیاسی (دموکراسی رادیکال و جنبش‌های اجتماعی جدید)، حجم زیادی از سؤالات پیرامون مفاهیم مشخصی است که تلخیص آن‌ها در جدول‌های تطبیقی بهترین نتیجه را برای داوطلبان به همراه خواهد داشت.

مقدمه تحلیلی بر روند شش‌ساله آزمون‌های دکترای تخصصی علوم اجتماعی (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵)

نقشه راه استراتژیک برای داوطلبان و پژوهشگران

کسب آمادگی برای آزمون ورودی دوره دکترای تخصصی علوم اجتماعی (کد ۲۱۲۵)، بیش از آنکه مستلزم انباشت حافظه‌محور اطلاعات باشد، نیازمند فهمی استراتژیک از هندسه فکری طراحان سؤال و ادراک دگرگونی‌های ساختاری و گفتمانی آزمون در گذر زمان است. تحلیل نظام‌مند، موشکافانه و مقایسه‌ای دفترچه‌های کنکور دکتری از سال ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵ و تعمق در پاسخ‌نامه‌های تشریحی، از یک دگردیسی معنادار و بنیادین در منطق سنجش سازمان سنجش پرده برمی‌دارد؛ آزمون دکتری علوم اجتماعی طی این شش دوره به‌طور تدریجی اما پیوسته از یک آزمون حافظه‌محور، متنی و تعریفی، به سمت یک آزمون مسئله‌محور، متدولوژیک و کاربردی حرکت کرده است. هدف از این مقدمه، ترسیم نقشه راه جامع، تبیین چرخش‌های پارادایمی، معرفی پربسامدترین متفکران و ارائه قطب‌نمای مطالعاتی به داوطلبان گرامی است.

۱. وزن‌کشی ساختاری دروس و توزیع بودجه‌بندی

تحلیل داده‌های آماری ۵۰۰ سؤال طرح‌شده در دروس تخصصی مشترک این دوره شش‌ساله نشان می‌دهد که آزمون دکتری بر دو ستون اصلی استوار است:

- **بلوک محوری (۶۷ درصد بار آزمون):** دو درس «نظریه‌های جامعه‌شناسی» با ۳۵ درصد (۱۷۵ سؤال) و «آمار و روش تحقیق پیشرفته کمی و کیفی» با ۳۲ درصد (۱۶۰ سؤال)، به‌تنهایی بیش از دو سوم نمره کتبی آزمون را به خود اختصاص داده‌اند. تسلط همه‌جانبه بر این دو سرفصل، پیش‌شرط قطعی موفقیت و کسب رتبه‌های برتر است.

- **بلوک دروس موضوعی (۳۳ درصد بار آزمون):** پنج درس «جامعه‌شناسی توسعه»، «جامعه‌شناسی ادبیات»، «بررسی مسائل اجتماعی ایران»، «جامعه‌شناسی روستایی» و «جامعه‌شناسی سیاسی»، هرکدام با سهم مساوی ۶.۶ درصد (۳۳ سؤال در مجموع شش سال)، یک‌سوم باقی‌مانده آزمون را تشکیل می‌دهند. اگرچه ضریب هر یک از این دروس به‌تنهایی کمتر از دو درس محوری است، اما تراز بالا در این بخش، عامل تفکیک رتبه‌های تک‌رقمی از سایر داوطلبان است.

۲. چرخش‌های پارادایمی در سرفصل‌های آزمون

در گذر از سال‌های نخست دهه ۱۴۰۰ به آزمون‌های متأخر (۱۴۰۳ تا ۱۴۰۵)، پرسش‌ها دستخوش سه دگرگونی کیفی بنیادین شده‌اند:

- **گذار از فرمول‌محوری به تصویرخوانی و تفسیر نرم‌افزاری (SPSS):**

اگر در سال‌های نخست، بخش عمده سؤالات آمار بر تعاریف تئوریک شاخص‌ها یا فرمول‌های دستی ساده متمرکز بود، از سال ۱۴۰۲ به بعد سؤالات مستقیماً به‌صورت برش‌هایی از جداول خروجی نرم‌افزارهای آماری طراحی می‌شوند. داوطلب امروز باید بتواند با نگاه به جدول رگرسیون لجستیک، مقدار نسبت بخت (Odds Ratio)، ضریب $Exp(B)$، سطح معناداری آزمون والد (Wald) و وضعیت مقدار ثابت

(Constant) را برای گروه‌های مبنا تحلیل کند؛ معنای رقم اشتراک استخراجی (Extraction Communality) و بارهای عاملی ماتریس دوران‌یافته را در تحلیل عاملی اکتشافی بخواند؛ و در نمودارهای تحلیل مسیر (Path Analysis) و مدل‌سازی معادلات ساختاری (SEM)، اثرات مستقیم، غیرمستقیم، اثر کل و خطاهای مدل را با اتکا به ضرایب استاندارد بتا (β) تفکیک و محاسبه نماید.

- **جهش در اهمیت روش‌شناسی کیفی و منطق برساخت‌گرایی:**

روش تحقیق در آزمون دکتری دیگر معادل پیمایش و نمونه‌گیری‌های سنتی نیست. روش‌های کیفی به کانون اصلی سؤالات تبدیل شده‌اند (حدود ۱۳.۵ درصد از کل آزمون)؛ به‌گونه‌ای که تسلط بر مراحل سه‌گانه کدگذاری در نظریه داده‌بنیاد (باز، محوری و انتخابی) و تفاوت رویکردهای استراوسی و چارمزی، گونه‌های پدیدارشناسی هوسرلی و هایدگری، سطوح سه‌گانه تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلاف (متن، کردار گفتمانی و کردار اجتماعی)، و ظرایف مردم‌نگاری نظیر چرخه امیک/اتیک و روش‌های ممیزی و بازبینی اعضا پای ثابت سؤالات هستند.

- **غلبه سیاست فرهنگی، رویکردهای پساتوسعه و جامعه‌شناسی رمان:**

در جامعه‌شناسی سیاسی، تمرکز طراحان از جامعه‌شناسی احزاب کلاسیک به سمت جنبش‌های اجتماعی جدید (ملوچی و تورن)، سیاست زندگی، سیاست فرهنگی و دموکراسی‌های رادیکال و آگونیستی (لاکلائو و موفه) و مشورتی (هابرماس) معطوف شده است. در جامعه‌شناسی توسعه، مکاتب متقدم نوسازی جای خود را به دیدگاه‌های پساتوسعه (آرتور اسکوبار و مجید رهنما)، توسعه پایدار (شوماخر و تکنولوژی مناسب) و رویکرد قابلیتی آمارتیا سن داده‌اند. در جامعه‌شناسی ادبیات نیز رمان به‌عنوان کانون نقد سرمایه‌داری و جهان مدرن با تکیه بر ساختارگرایی تکوینی گلدمن و نظریه رمان لوکاچ تحلیل می‌شود.

۳. کانون توجه طراحان: پربسامدترین متفکران و چهره‌های کلیدی

بررسی تکرار نام‌ها و مفاهیم نشان می‌دهد که بخش اعظم سؤالات نظری و تحلیلی همواره حول یک جمع مشخص از نظریه‌پردازان برجسته متمرکز است:

ردیف	نام متفکر	میزان بسامد در آزمون	مفاهیم و محورهای محوری مورد پرسش در ۶ سال اخیر PDF
۱	**ماکس وبر**	فوق‌العاده بالا (حداقل ۲ تا ۳ تست در هر سال)	تمایز علیت تاریخی از علیت جامعه‌شناختی، روش تفهم و نمونه آرمانی، بسندگی علی و معنایی، اخلاق پروتستانی، انواع عقلانیت (صوری، ذاتی، عملی)، دموکراسی رهبرگزین، قفس آهنین و مفهوم کاریزما.
۲	**میشل فوکو**	فوق‌العاده بالا (حضور مستمر در هر ۶ دوره)	پیکربندی ناگسستنی قدرت/دانش، تبارشناسی در برابر دیرینه‌شناسی، جامعه انضباطی، سراسربین، زیست‌قدرت و تفاوت مابعدساختارگرایی با ساختارگرایی.
۳	**یورگن هابرماس**	بالا و ساختاری	نظریه کنش ارتباطی، وضعیت آرمانی گفتار، تفکیک زیست‌جهان از سیستم، استعمار زیست‌جهان، دینامیسم بحران مشروعیت در سرمایه‌داری متأخر و دموکراسی مشورتی.
۴	**پی‌یر بوردیو**	بالا و پرتکرار	بازتولید فرهنگی، نظریه میدان و هابیتوس (عادت‌واره)، انواع چهارگانه سرمایه (به‌ویژه سرمایه فرهنگی و نقش آن در ایجاد اجزای طبقه)، سبک زندگی و خشونت نمادین.

ردیف	نام متفکر	میـــزان بســـامد در آزمون	مفاهیم و محورهای محوری مورد پرسش در ۶ سال اخیر PDF
۵	**امیل دورکیم**	پای ثابت کلاسیک‌ها	گونه‌شناسی چهارگانه خودکشی بر حسب انسجام و تنظیم (به‌ویژه خودکشی آنومیک)، کارکردهای مستقیم و غیرمستقیم جرم، وجدان جمعی، همبستگی ارگانیک و مکانیکی، و واقعیت اجتماعی خودویژه.
۶	**لوسین گلدمن و جورج لوکاچ**	مهره‌های اصلی جامعه‌شناسی ادبیات	نظریه رمان، قهرمان پروبلماتیک، جستجوی تمامیت پنهان زندگی، ساختارگرایی تکوینی، جهان‌نگری طبقاتی و هم‌ساختی ساختار اثر با آگاهی جمعی.
۷	**آنتونی گیدنز و زیگمونت باومن**	پررنگ در آزمون‌های متأخر	گیدنز: ساخت‌یابی، ازجاکندگی، سیاست زندگی در برابر سیاست رهایی‌بخش؛ باومن: استعاره دولت باغبانی در برابر جنگلبانی، مدرنیته و هولوکاست، و نقش روشنفکران تفسیری.
۸	**اروینگ گافمن و آلفرد شوتس**	پرتکرار در نظریه‌های خرد	گافمن: رویکرد نمایشی، مدیریت تأثیرگذاری، هاله پوشی، فاصله از نقش و صحنه جلو/پشت صحنه؛ شوتس: پدیدارشناسی زیست‌جهان، تیپ‌سازی، ذخایر دانش و دانش به مهارت‌ها.

۴. الگوهای مفهومی پایدار در دروس تخصصی پنج‌گانه

دروس موضوعی اگرچه تنوع ظاهری دارند، اما بر محور چند الگوی باثبات طراحی می‌شوند:

- **جامعه‌شناسی روستایی:** تمرکز تزلزل‌ناپذیر بر نظام‌های بهره‌برداری سنتی ایران (نظام بنه، حراثه، صحرا و عوامل اکولوژیک پیدایش آن‌ها نظیر کم‌آبی)، نهادهای اقتصادی-حقوقی ارباب‌رعیتی (مزارعه، تقاوی، تیول، نسق‌بندی) و پیامدهای ساختاری اصلاحات ارضی و طرح‌های پس از انقلاب (هیئت‌های هفت‌نفره و مشاع).

- **بررسی مسائل اجتماعی ایران:** غلبه نظریه‌های متأخر نسبت به تبیین‌های صرفاً آسیب‌شناختی؛ به‌ویژه تقابل میان رویکرد برساخت‌گرایی با رویکردهای کارکردی و تضاد، و تحلیل فقر، نابرابری و طرد اجتماعی از دریچه خط‌مشی‌های سیاسی (تفاوت نگاه لیبرال‌ها، محافظه‌کاران و رادیکال‌ها) به پدیده‌هایی نظیر اعتیاد، بی‌خانمانی و پیرستیزی.

- **جامعه‌شناسی ادبیات:** تفکیک دقیق رویکرد لوکاچ (رمان به‌مثابه جستجوی تمامیت پنهان)، لوسین گلدمن (ساختارگرایی تکوینی و قهرمان پروبلماتیک) و جامعه‌شناسی تولید و مصرف ادبی اسکارپیت در کنار سنت‌های فرمالیسم و نقد نو.

- **جامعه‌شناسی توسعه:** نقد مکاتب خطی نوسازی، تحلیل ساختاری مکتب وابستگی (سمیر امین و شیوه تولید خراج‌گذار، فرانک و کاردوسو)، پارادایم پساتوسعه و شاخص‌های ترکیبی توسعه انسانی (مانند HDI و GEM).

- **جامعه‌شناسی سیاسی:** تبیین نهاد دولت مدرن و بوروکراسی (وبر و اوفه)، ماهیت جنبش‌های اجتماعی و گذار به دموکراسی‌های رادیکال، آگونیستی و گفتمانی.

۵. قطب‌نمای استراتژیک مطالعه برای داوطلبان

برای دستیابی به بالاترین بازدهی در فرصت آماده‌سازی، رعایت توصیه‌های زیر راهگشا خواهد بود:

۱. **اصالت یادگیری مفهومی در برابر حفظ گزینه‌ها:** سؤالات دکتری به‌ندرت تکرار واژه‌به‌واژه سال‌های قبل هستند؛ طراحان یک گزاره بنیادی (مانند مفهوم علیت تاریخی یا تبارشناسی) را هر سال با بیانی نو و در قالب مصداق‌های متفاوت می‌سنجند. بنابراین، فهم عمیق بستر پیدایش هر مفهوم بر حفظ تعاریف ارجحیت دارد.

۲. **اتخاذ نگاه مقایسه‌ای در مطالعه متفکران:** نظریه‌ها را به‌صورت ماتریس‌های تطبیقی و در تقابل با یکدیگر بیاموزید؛ مسائلی چون تفاوت وبر و مارکس در تبیین دین و اقتصاد، تفاوت هابرماس و موفه در باب دموکراسی، تفاوت تبارشناسی و دیرینه‌شناسی فوکو، و مقایسه هابیتوس بوردیو با نظریه ساخت‌یابی گیدنز و نظریه تکوین آرچر.

۳. **تمرین مستمر بر خوانش جداول خروجی رایانه‌ای:** از یادگیری نظری صرف رگرسیون یا تحلیل عاملی فراتر رفته و مستقیماً نحوه گزارش‌گیری نرم‌افزار SPSS، نام ستون‌ها (B، $S.E.$، $Beta$، $Wald$، Sig) و تفسیر دقیق آن‌ها را با نمونه‌های واقعی تمرین کنید.

٤. **سرمایه‌گذاری بر سرفصل‌های پربازده با دامنه مشخص:** دروسی نظیر جامعه‌شناسی روستایی، ادبیات و توسعه دارای دامنه مباحث بسیار بسته‌تر و مشخص‌تری نسبت به نظریه‌ها هستند؛ تسلط بر اصطلاحات کانونی و واژه‌نامه مفهومی این سه درس می‌تواند در زمانی کوتاه‌تر، درصدهای ممتاز و ترازساز برای داوطلب به ارمغان آورد.

٥. **استفاده از جداول فراوانی به مثابه نقشه راه:** جداول آماری ابتدای این کتاب چراغ راهنمای شماست؛ پیش از آغاز مطالعه هر درس، سهم وزنی و زیرمباحث پرتکرار آن را بررسی کنید تا حجم انرژی و مرورهای خود را دقیقاً متناسب با پتانسیل امتیازآوری آن مبحث تنظیم نمایید.

به نام یزدان پاک

مقدمه

کتاب پیش‌رو حاصل تلاشی منسجم، پژوهش‌محور و هدفمند برای پاسخ به یکی از اساسی‌ترین نیازهای جامعه علمی و داوطلبان ورود به مقطع دکترای تخصصی علوم اجتماعی (کد ۲۱۲۵) است. آزمون دکتری تخصصی، به‌ویژه در سال‌های اخیر، دیگر صرفاً سنجش انباشت اطلاعات حافظه‌محور نیست؛ بلکه آزمونی دقیق برای محک زدن بینش جامعه‌شناختی، قدرت تحلیل ساختاری، تفکر انتقادی و تسلط بر پیوند میان نظریه، روش‌شناسی و تحلیل داده‌ها به شمار می‌رود. کتاب حاضر بر مبنای دفترچه‌های رسمی سازمان سنجش آموزش کشور در دوره شش‌ساله ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵ و متون پاسخ‌نامه‌های تشریحی-تحلیلی تدوین یافته است تا نقش یک نقشه راه راهبردی و خودآموز پژوهشی را برای متقاضیان تحصیلات تکمیلی ایفا نماید.

۱. چرایی تدوین، ضرورت‌ها و متدولوژی تألیف اثر

با توجه به تغییرات ساختاری در سرفصل‌ها و رویکردهای سنجش در سال‌های اخیر، داوطلبان همواره با حجم گسترده‌ای از منابع متکثر، پراکنده و گاه ناهماهنگ روبه‌رو بوده‌اند. مؤلفان این اثر با هدف رفع سردرگمی‌های مطالعاتی، ایجاد تمرکز ذهنی و ارائه یک الگوی استاندارد یادگیری، فرآیند تدوین کتاب را در چهار مرحله روش‌مند به انجام رسانده‌اند:

- **گردآوری و مستندسازی دقیق داده‌ها:** بازخوانی و پالایش موشکافانه سؤالات تمامی ادوار شش سال اخیر (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵) بدون دخل و تصرف در اصل صورت‌بندی استاندارد آزمون‌ها.

- **کالبدشکافی تحلیلی گزینه‌ها و چرایی پاسخ‌ها:** نگارش پاسخ‌های تشریحی نه در قالب گزاره‌های کوتاه، بلکه در هیئت درس‌نامه‌های فشرده موضوعی، همراه با بازخوانی پیشینه مفهومی، رد مستدل گزینه‌های نادرست و ارائه نکات تکمیلی برای هر پرسش.

- **استخراج آماری و تحلیل روندهای بودجه‌بندی:** احصای دقیق فراوانی موضوعی تست‌ها جهت مشخص ساختن کانون‌های پربسامد، تغییر الگوهای طراحی و تمایز مباحث پایه‌ای از فصول فرعی.

- **تدوین ضمائم تخصصی و ابزارهای راهبردی:** افزودن بخش‌های تکمیلی شامل اطلس ماتریس‌های مقایسه‌ای نظریات، راهنمای خوانش خروجی نرم‌افزارهای آماری (SPSS)، جعبه‌ابزار روش‌های کیفی، واژه‌نامه تخصصی و نمایه تحلیلی-موضوعی انتهای کتاب به عنوان ابزاری برای پژوهش و مرور سریع.

۲. ساختار محتوایی و اجزای تشکیل‌دهنده کتاب

این مجلد در هماهنگی کامل میان بخش‌های آماری، تئوریک، آزمونی و نمایه‌ای سامان یافته است:

- **پیش‌گفتار و راهنمای ساختار کتاب:** تبیین اهداف و روش استفاده بهینه از صفحات اثر.

- **جداول توزیع فراوانی موضوعی سؤالات (۱۴۰۰ تا ۱۴۰۵):** جدول تفکیکی جامع مشتمل بر ۵۰۰ سؤال تخصصی مشترک در ۷ سرفصل مصوب (نظریه‌های جامعه‌شناسی، آمار و روش تحقیق پیشرفته، جامعه‌شناسی توسعه، جامعه‌شناسی ادبیات، بررسی مسائل اجتماعی ایران، جامعه‌شناسی روستایی و جامعه‌شناسی سیاسی) به همراه درصد فراوانی هر مبحث، که دیدی روشن از وزن دقیق هر حوزه امتحانی به دست می‌دهد.

- **گزارش تحلیلی و توصیه‌های راهبردی:** ارائه تحلیل آماری از تغییر الگوی طراحان، معرفی مباحث کلیدی پرتکرار و استراتژی زمان‌بندی بهینه مطالعه.

- **مقدمه تحلیلی بر تحولات پارادایمی کنکور دکتری:** کالبدشکافی روند شش‌ساله، چرخش طراحان از حفظیات به سمت تحلیل داده‌های نرم‌افزاری و تفکر گفتمانی، و معرفی چهره‌های دارای بیشترین بسامد تستی (وبر، دورکیم، هابرماس، فوکو، بوردیو، لوکاچ، گلدمن و دیگران).

۳. پاسخ‌نامه تشریحی چندسطحی (آزمون‌های ۱۴۰۴ و ۱۴۰۵) :در بخش پاسخ‌نامه تشریحی، تلاش شده است تا با فراتر رفتن از بیان صرف گزینه صحیح، هر سؤال در قالب یک واحد یادگیری کامل کالبدشکافی شود .ساختار تشریح هر تست شامل **تبیین موضوع و هسته مفهومی سؤال، پاسخ تشریحی بر پایه منابع دست‌اول، بررسی انتقادی و رد سایر گزینه‌ها** و **نکات تکمیلی و راهبردی** است تا مخاطب با منطق ذهنی طراحان سؤال آشنا گردد.

- **ضمیمه جامع و راهبردی (اطلس ماتریس‌ها و الگوریتم‌های پژوهشی):** شامل جداول مقایسه‌ای نظریه‌پردازان کلاسیک، الگوهای تلفیق ساختار و عاملیت (گیدنز، بوردیو، آرچر)، مدل‌های دموکراسی (مشورتی، رادیکال، کثرت‌گرا)، پارادایم‌های مسائل اجتماعی، راهنمای قرائت جداول رگرسیون لجستیک، تحلیل عاملی و تحلیل مسیر، رویه سه‌گانه نظریه داده‌بنیاد و نقشه راهبردی مصاحبه علمی دکتری.

- **فرهنگ جامع واژگان و اصطلاحات تخصصی:** مرجع مفهومی تعاریف علمی تمامی اصطلاحات بکاررفته در دفترچه‌ها و منابع بین‌المللی همراه با معادل‌های لاتین.

- **فهرست مآخذ رسمی و دانشگاهی:** معرفی کتب مرجع اصلی و مترجمان معتبر در هر هشت حوزه تخصصی مورد استفاده طراحان کنکور.

- **نمایه تحلیلی-موضوعی دقیق (Index):** فهرست الفبایی جامع از تمامی مفاهیم، اصطلاحات، نظریه‌ها و نام اشخاص با ارجاع دقیق به شماره صفحات کتاب به منظور بازیابی سریع مباحث در زمان مرور نهایی.

۴. ویژگی‌های ممیزه و کارکرد آموزشی مجموعه

آنچه این اثر را از کتاب‌های صِرف مجموعه‌سؤال متمایز می‌سازد، پیوند ساختاری میان آزمون و آموزش است؛ داوطلب با مطالعه هر تست نه فقط یک پاسخ، بلکه شبکه مفهومی مرتبط با آن سرفصل را فرامی‌گیرد. همچنین، حذف شکستگی‌های نامنظم متنی و رعایت ویرایش یکپارچه فنی و زبانی سبب شده است متن کتاب از حداکثر خوانایی و روانی در خوانش‌های فشرده برخوردار باشد.

امید است این کتاب منسجم به عنوان راهنمایی مطمئن، پژوهشگران ارجمند و داوطلبان سخت‌کوش را در مسیر تسلط جامع بر مبانی جامعه‌شناسی یاری رساند و پل ارتباطی شایسته‌ای میان آزمون ورودی و دروازه‌های پژوهش در مقطع دکترای تخصصی علوم اجتماعی بگشاید.

گروه مؤلفین پردازش

پاییز ۱۴۰۵

آزمون دکترای علوم اجتماعی ۱۴۰۴

جامعه‌شناسی توسعه ـ جامعه‌شناسی ادبیات ـ بررسی مسائل اجتماعی ایران – جامعه‌شناسی روستایی – جامعه‌شناسی سیاسی

۱. **سمیر امین، نظام‌های پیش‌سرمایه‌داری را مصداق کدام شیوه تولید می‌داند؟**

۱) خراج‌گذاری ۲) برده‌داری ۳) انحصاری ۴) کمونیستی

۲. **ای.اف. شوماخر، به طرح کدام‌یک از ایده‌های زیر مشهور است؟**

۱) تراژدی مشاع‌ها ۲) اقتصاد پابرهنگان

۳) انگیزه نیاز به پیشرفت ۴) تکنولوژی مناسب (متوسط)

۳. **سه شاخص اصلی که در سنجش «توسعه انسانی» درنظر گرفته می‌شود، کدام موارد هستند؟**

۱) فقر - شاد زیستی - سرمایه اجتماعی ۲) مشارکت سیاسی - شرکت در انتخابات - فقر

۳) طول عمر سطح دانش (آموزش) - معاش آبرومند ۴) نیروی انسانی - دانش بومی - هنجارهای معامله متقابل

٤. **کدام‌یک از اندیشمندان توسعه، بحث «روحیه کارفرمایی یا کارآفرینی» را مطرح کرده است؟**

۱) آمارتیا سن ۲) ژوزف شومپیتر ۳) گونار میردال ۴) دانیل لرنر

٥. **کدام مورد، علت اصلی توسعه‌نیافتگی جهان سوم، از نظر آرتور لوئیس است؟**

۱) استثمار و امپریالیسم فرهنگی ۲) فناوری ضعیف و غیرپیشران

۳) ساختار دوگانه معیشتی و سرمایه‌داری ۴) تأکید بر سنت‌های فرهنگی ایستا و غیرنوآور

٦. **ساختارگرایی از جهت عدم ارتباط نیت مؤلف به نقد ادبی، با کدام سبک اشتراک دارد؟**

۱) فرمالیسم ۲) تاریخ‌گرایی ۳) روایت‌شناسی ۴) اسطوره‌گرایی

۷. **کتاب «ادبیات و رابطه‌اش با نهادهای اجتماعی»، اثر چه کسی است؟**

۱) تی. اس الیوت ۲) مادام دو ستال ۳) کنت کلارک ۴) ویکتور هوگو

۸. **از نظر گلدمن، مهم‌ترین واحد در بررسی جامعه‌شناسی آثار ادبی برجسته، کدام مورد است؟**

۱) نژاد ۲) فرد ۳) طبق (۴) جامعه

۹. **کدام مورد، مصرف ادبی کتاب است؟**

۱) خرید جهت پرستیژ اجتماعی ۲) خواندن برای کسب لذت

۳) خواندن جهت کسب فرهنگ ۴) کتاب‌درمانی

۱۰. **شخصیت اساسی رمان از نظر گلدمن، چه کسی است؟**

۱) فرد آرمانی ۲) شخصیت اجتماعی ۳) شخصیت فردگرا ۴) قهرمان پروبلماتیک

۱۱. **دیدگاه لیبرال‌ها در مورد دلیل اصلی نابرابری اجتماعی چیست؟**

۱) مداخلات دولت ۲) تفاوت‌های فرهنگی

۳) پیش‌داوری و تبعیض ۴) سودجویی بخش خصوصی

۱۲. **کدام مورد، درخصوص مسئله بی‌خانمانی درست است؟**

۱) اکثر بی‌خانمان‌ها شدیداً کار می‌کنند. ۲) بی‌خانمانی، اساساً مسئله‌ای شهری است.

۳) بی‌خانمان‌ها، لزوماً فقیرترین فقرا نیستند. ۴) بی‌خانمان‌ها به حمایت اجتماعی دسترسی ندارند.

۱۳. بی‌سازمانی اجتماعی از نظر کولی، به کدام معنا است؟

۱) فروپاشی سنت‌ها
۲) مقابله مردم با هنجارهای موجود
۳) فقدان هنجارهای اجتماعی قدرتمند
۴) افول انگیزه‌های مردم در پذیرش هنجارهای موجود

۱۴. کدام مورد، در خصوص پیرستیزی درست است؟

۱) زنان به اندازه مردان، در معرض پیرستیزی هستند.
۲) پیش‌داوری و تبعیض علیه سالخوردگان است.
۳) اقدامات سازمان‌یافته خشونت‌بار علیه سالخوردگان است.
۴) رد درخواست استخدام یک سالخورده در دانشگاه، لزوماً پیرستیزی محسوب نمی‌شود.

۱۵. انقلاب اطلاعات باعث کدام دگرگونی در کار و محیط کار شد؟

۱) شروع تولید صنعتی پیشرو
۲) آغاز تحولات عظیم در بخش کشاورزی
۳) گسترش فناوری خط تولید فوردیستی
۴) آغاز صنعت‌زدایی و افول تولید صنعتی

۱۶. طبق سرشماری ۱۳۹۵، میزان باسوادی در مناطق روستایی کشور، حدوداً چند درصد بوده است؟

۱) ۴۵
۲) ۶۰
۳) ۸۰
۴) ۹۵

۱۷. کدام مفهوم در حوزه جامعه‌شناسی روستایی، به لحاظ معنایی از سایر مفاهیم مجزا است؟

۱) بنه
۲) آیش
۳) مزارعه
۴) صحرا (حراته)

۱۸. در دوران ارباب‌رعیتی، مساعده‌ای که در آغاز فصل زراعت به زارع داده می‌شد، چه نام داشت؟

۱) تقاوی
۲) مراعی
۳) مزارعه
۴) مبایعه

۱۹. منظور رابرت چمبرز از «سوگیری آمایشی» در بازدیدها و مطالعات روستایی چیست؟

۱) کارگزاران توسعه روستایی عمدتاً موضوع موردعلاقه خود را مورد توجه قرار می‌دهند و به درک و فهم روستاییان و وقایع روستایی تمایل ندارند.
۲) روستاهایی که پولی در آنجا صرف شده یا پروژه‌ای در آنجا در دست اقدام است، بیشتر مورد بازدید قرار می‌گیرند.
۳) روستاهایی که در مسیر جاده آسفالت قرار دارند یا نزدیک به مراکز شهری هستند، بیشتر مورد بازدید قرار می‌گیرند.
۴) عمدتاً نخبگان، مردان و افراد باقدرت‌تر، مورد مراجعه کارگزاران توسعه روستایی قرار می‌گیرند.

۲۰. نظام بهره‌برداری مشاع (تحت‌نظر هیئت‌های هفت‌نفره واگذاری زمین)، در کدام دوره شکل گرفت؟

۱) مرحله اول اصلاحات ارضی پیش از انقلاب
۲) مرحله دوم اصلاحات ارضی پیش از انقلاب
۳) مشروطه
۴) بعد از انقلاب اسلامی

۲۱. کدام نگرش نزد هابرماس و لاکلائو – موفه، نسبت به دموکراسی وضع اخیر جهان، مشترک است؟

۱) تصور از جنبش‌های اجتماعی به‌مثابه یک نیروی مترقی در سیاست معاصر
۲) تلقی از جامعه به‌مثابه یک نظام توسعه‌یابنده و منفک از بازیگران اجتماعی
۳) باور به پیوند سطحی جنبش‌های اجتماعی با سیاست رسمی و ناتوانی آنها از جذب در فرایندهای سیاسی
۴) پذیرش وجود گروه‌های ذی‌نفع گوناگون در جامعه و نمایندگی سیاسی آنها توسط احزاب در نظام سرمایه‌داری

۲۲. از نظر آلبرتو ملوچی، به کدام دلیل افراد به مشارکت در جنبش‌های اجتماعی ترغیب می‌شوند؟

۱) به آنها قدرت می‌دهد و امکان مشارکت آنها در فرایندهای رسمی سیاسی را فراهم می‌کند.
۲) به آنها امکان مبارزه بر سر تاریخمندی از طریق نزاع در سراسر حوزه اجتماعی را می‌دهد.
۳) به آنها معنی می‌دهد و به‌زعم خودشان، نیازهای شخصی‌شان را برآورده می‌کند.
۴) به آنها امکان درک ساخت عملی و گفتمانی و بازسازی مداوم دولت را می‌دهد.

۲۳. کدام مورد، بیانگر دیدگاه چارلز تیلی در خصوص ماهیت دولت در جوامع صنعتی مدرن است؟

۱) دولت به‌عنوان مهم‌ترین نماینده طبقات حاکم، به‌طور طبیعی، نگرشی کثرت‌گرایانه نسبت به گروه‌های ذی‌نفع در پیش می‌گیرد.
۲) دولت به‌عنوان قدرتمندترین بازیگر سیاسی، به‌طور گزینشی، جنبش‌های اجتماعی را براساس منافع نخبگان سرکوب یا تسهیل می‌کند.
۳) دولت در عصر پساصنعتی، هدفش حفظ فرمانروایی حاکم بر سرزمین و اتباع دولت از طریق تأمین رفاه‌جو و خوشبختی همگانی است.
۴) دولت در عصر صنعتی، قدرتش را از طریق متمرکز کردن ابزار اداری در دستان یک پادشاه مطلقه به‌دست می‌آورد.

۲۴. کدام نظریه دموکراسی، به سیاست فرهنگی توجه دارد؟

۱) رادیکال لاکلائو و موفه ۲) مشورتی هابرماس ۳) جهانی هلد ۴) نمایندگی وبر

۲۵. از نظر کلاوس اوفه، به کدام دلیل، جوامع پیچیده، دولت‌های ضعیفی دارند؟

۱) فقدان همبستگی اجتماعی ۲) غیردولتی‌شدن نظام سیاسی
۳) کالایی نشدن نیازهای اجتماعی ۴) استقلال سیاسی دولت

۱. **گزینه ۱)**

موضوع سوال: این سؤال به مبانی نظری مکتب وابستگی و دیدگاه‌های انتقادی سمیر امین (Samir Amin) در زمینه صورت‌بندی‌های اقتصادی-اجتماعی ماقبل سرمایه‌داری می‌پردازد. هسته پرسش، تشخیص دقیق مفهومی است که امین برای توصیف ساختار تولید و استخراج مازاد در جوامع پیشاسرمایه‌داری ابداع کرده است. گزینه «خراج‌گذاری» کلیدی‌ترین مفهوم در دستگاه فکری او برای تبیین این دوره تاریخی به شمار می‌رود و به‌درستی این مقصود را برآورده می‌سازد.

پاسخ تشریحی: سمیر امین (۲۰۱۸-۱۹۳۱)، اقتصاددان، جامعه‌شناس نئومارکسیست و از نظریه‌پردازان برجسته رویکرد نظام جهانی، در تحلیل سیر تکامل جوامع بشری، الگوی خطی مارکسیسم ارتدوکس (برده‌داری، فئودالیسم، سرمایه‌داری) را به چالش می‌کشد. وی استدلال می‌کند که شیوه تولید مسلط در اکثر قریب‌به‌اتفاق جوامع طبقاتیِ پیش از سرمایه‌داری (به‌ویژه در جوامع غیراروپایی نظیر جهان اسلام، آسیا و آفریقا)، «شیوه تولید خراج‌گذار» (Tributary Mode of Production) بوده است. در این شیوه، ساختار اجتماعی عمدتاً از دو طبقه اصلی تشکیل می‌شود: دهقانانی که در قالب اجتماعات روستایی به تولید مشغول‌اند، و طبقه حاکمی (دولت متمرکز) که کنترل ابزار اعمال زور، سلطه سیاسی و نظامی را در اختیار دارد. ویژگی بارز این شیوه آن است که استخراج مازاد از طبقه تولیدکننده، نه از طریق سازوکارهای اقتصادی بازار و قرارداد (همانند سرمایه‌داری)، بلکه از طریق اجبار غیراقتصادی و نهادی در قالب اخذ «خراج» (مالیات‌های سنگین و هدایای اجباری) صورت می‌پذیرد.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۲ (برده‌داری): اگرچه برده‌داری یک شیوه تولیدی در جهان باستان بوده است، اما سمیر امین آن را یک نظام جهان‌شمول و غالب نمی‌داند. او برده‌داری را صورتی حاشیه‌ای و استثنایی در مسیر تطور تاریخی تلقی می‌کند که نمونه بارز آن مختص یونان و روم باستان بوده و نمی‌تواند مصداق عام نظام‌های پیشاسرمایه‌داری در سطح جهانی باشد.

گزینه ۳ (انحصاری): سرمایه‌داری انحصاری (Monopoly Capitalism) مفهومی است که برای توصیف مرحله پیشرفته، متأخر و امپریالیستی نظام سرمایه‌داری به کار می‌رود و از نظر تاریخی و مفهومی، مطلقاً هیچ ارتباطی با نظام‌های ماقبل سرمایه‌داری ندارد.

گزینه ۴ (کمونیستی): مفهوم «کمون اولیه» در ادبیات رادیکال به جوامع بی‌طبقه و پیشاتاریخی (مبتنی بر شکار و گردآوری) اطلاق می‌شود. نظام‌های مدنظر در این پرسش، جوامعی ساختارمند، دارای انباشت ثروت، نهاد دولت و بهره‌کشی هستند؛ بنابراین، سیستم اشتراکی و فاقد استثمار طبقاتی کمونیستی نمی‌تواند معرف نظام‌های طبقاتی پیشاسرمایه‌داری باشد.

نکات تکمیلی: مفهوم «شیوه تولید خراج‌گذار»، تلاشی نظری و درخشان از سوی سمیر امین برای عبور از بن‌بست و کاستی‌های مفهوم مارکسیستی «شیوه تولید آسیایی» بود. امین با این مفهوم‌سازی اثبات کرد که توسعه‌نیافتگی جوامع شرقی ناشی از ذات ایستا و راکد آن‌ها (آن‌گونه که مستشرقان می‌پنداشتند) نبوده است؛ بلکه این جوامع درگیر سازوکار پویای خراج‌گیری درون‌زاد بوده‌اند که بعدها به دلیل تهاجم امپریالیسم و ادغام نابرابر در اقتصاد سرمایه‌داری جهانی (تبدیل شدن به مناطق پیرامونی)، دچار توسعه‌نیافتگی مضاعف و وابستگی ساختاری شده‌اند.

۲. **گزینه ۴)**

موضوع سوال: این سؤال به آرا و اندیشه‌های ئی. اف. شوماخر (E. F. Schumacher)، اقتصاددان و متفکر برجسته حوزه توسعه پایدار و اقتصاد زیست‌محیطی می‌پردازد. هسته مرکزی پرسش، شناسایی مهم‌ترین ابداع مفهومی و راهبردی او در نقد اقتصاد متعارف و رویکردهای تکنوکراتیک به توسعه است. ایده «تکنولوژی مناسب» یا «تکنولوژی متوسط» مستقیماً و منحصراً به وی تعلق دارد.

پاسخ تشریحی: ارنست فردریش شوماخر (۱۹۷۷-۱۹۱۱)، اقتصاددان آلمانی-بریتانیایی، در کتاب مشهور و جریان‌ساز خود با عنوان «کوچک زیباست: اقتصاد با ابعاد انسانی» (Small Is Beautiful: Economics As If People Mattered) که در سال ۱۹۷۳ منتشر شد، نقدی بنیادین بر اقتصاد سرمایه‌داری و تولید انبوه وارد ساخت. او معتقد بود که تکنولوژی‌های سرمایه‌بر، متمرکز و غول‌پیکرِ غربی، موجب نابودی محیط‌زیست، ازخودبیگانگی نیروی کار و تهی‌شدن منابع در کشورهای در حال توسعه می‌شوند. در مقابل، وی راهبرد «تکنولوژی مناسب» (Appropriate Technology) یا «تکنولوژی متوسط» (Intermediate

Technology) را پیشنهاد داد. این نوع تکنولوژی کاربر است، با مهارت‌ها و منابع محلی سازگاری دارد، ارزان‌قیمت است، تحت کنترل جوامع محلی قرار دارد و هدف آن توانمندسازی مردم و حفظ تعادل زیست‌محیطی است، نه صرفاً حداکثرسازی سود.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۱ (تراژدی مشاع‌ها): این مفهوم (Tragedy of the Commons) متعلق به گارت هاردین (Garrett Hardin)، بوم‌شناس آمریکایی است که در مقاله‌ای به سال ۱۹۶۸ مطرح شد و به پیامدهای ویرانگر استفاده بی‌رویه و رقابتی افراد از منابع مشترک (مانند مراتع، اقیانوس‌ها و جنگل‌ها) بر اساس منافع شخصی می‌پردازد.

گزینه ۲ (اقتصاد پابرهنگان): این مفهوم (Barefoot Economics) با نام مانفرد مکس‌نیف (Manfred Max-Neef)، اقتصاددان و محیط‌زیست‌گرای شیلیایی، گره خورده است که بر اقتصاد توسعه در مقیاس خرد و تمرکز بر نیازهای بنیادین انسانی جوامع فقیر تأکید داشت.

گزینه ۳ (انگیزه نیاز به پیشرفت): مفهوم «نیاز به پیشرفت» (Need for Achievement یا nAch) یکی از ارکان نظریه دیوید مک‌کللند (David McClelland)، روان‌شناس آمریکایی است. او این انگیزه روانی را عامل اصلی ظهور کارآفرینی و رشد اقتصادی در جوامع می‌دانست.

نکات تکمیلی: دیدگاه‌های شوماخر پیش‌گام رویکردهای بدیل توسعه (Alternative Development) و توسعه پایدار (Sustainable Development) محسوب می‌شود. ایده «کوچک زیباست» در واقع نقدی بر رویکردهای کلان‌نگرِ نوسازی (Modernization) بود که تصور می‌کردند انتقال بی‌چون‌وچرای تکنولوژی غربی تنها راه نجات جهان سوم است. اندیشه‌های شوماخر امروزه در قالب اقتصاد چرخشی (Circular Economy) و جنبش‌های بومی‌گرایی همچنان زنده و الهام‌بخش هستند.

۳. گزینه ۳)

موضوع سوال: این سؤال به یکی از بنیادی‌ترین و کاربردی‌ترین مفاهیم در حوزه جامعه‌شناسی توسعه و اقتصاد سیاسی، یعنی «شاخص توسعه انسانی» (Human Development Index یا HDI) اختصاص دارد. هسته پرسش، تسلط داوطلب بر مؤلفه‌های استاندارد و پذیرفته‌شده جهانی برای سنجش این شاخص است. گزینه سوم دقیقاً سه بُعد اصلی و رسمی تعریف‌شده توسط برنامه عمران سازمان ملل متحد (UNDP) را معرفی می‌کند.

پاسخ تشریحی: شاخص توسعه انسانی در سال ۱۹۹۰ توسط محبوب الحق (اقتصاددان پاکستانی) و آمارتیا سن (برنده جایزه نوبل اقتصاد از هند) ابداع شد تا جایگزینی انسانی‌تر و جامع‌تر برای شاخص‌های صرفاً اقتصادی مانند تولید ناخالص داخلی (GDP) باشد. منطق نظری این شاخص بر مبنای «رویکرد قابلیت» (Capability Approach) آمارتیا سن بنا شده است که توسعه را نه انباشت ثروت، بلکه گسترش آزادی‌ها و توانمندی‌های اساسی انسان‌ها می‌داند. برنامه عمران سازمان ملل (UNDP) این شاخص را بر اساس سه بعد بنیادین می‌سنجد:

نخست، **زندگی طولانی و سالم (طول عمر):** که با شاخص «امید به زندگی در بدو تولد» (Life Expectancy) اندازه‌گیری می‌شود.

دوم، **دسترسی به دانش (آموزش):** که ترکیب دو شاخص «میانگین سال‌های تحصیل» (برای بزرگسالان) و «سال‌های مورد انتظار تحصیل» (برای کودکان) است.

سوم، **سطح زندگی استاندارد (معاش آبرومند):** که از طریق «درآمد ناخالص ملی سرانه» (GNI per capita) بر اساس برابری قدرت خرید (PPP) محاسبه می‌گردد.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۱ (فقر – شاد زیستی – سرمایه اجتماعی): اگرچه این مفاهیم در ادبیات مدرن توسعه بسیار مهم‌اند (مانند شاخص شادی ناخالص ملی در بوتان یا مفهوم سرمایه اجتماعی پاتنام)، اما هیچ‌کدام جزء ارکان محاسباتی شاخص رسمی و سه‌گانه HDI نیستند.

گزینه ۲ (مشارکت سیاسی – شرکت در انتخابات – فقر): مشارکت سیاسی و انتخابات از مؤلفه‌های «توسعه سیاسی» محسوب می‌شوند. اگرچه محیط دموکراتیک برای توسعه انسانی مطلوب است، اما این متغیرها در فرمول ریاضی و استاندارد سنجش HDI لحاظ نمی‌شوند.

گزینه ۴ (نیروی انسانی – دانش بومی – هنجارهای معامله متقابل): این موارد بیشتر به حوزه توسعه روستایی، انسان‌شناسی فرهنگی و مطالعات سرمایه اجتماعی (هنجارهای مبادله و اعتماد) تقلیل می‌یابند و فاقد جایگاه در اندازه‌گیری کلان شاخص توسعه انسانی هستند.

نکات تکمیلی: ابداع شاخص توسعه انسانی یک انقلاب پارادایمی در مفهوم توسعه بود. تا پیش از آن، کشورهایی با درآمد سرانه بالا لزوماً «توسعه‌یافته» تلقی می‌شدند، حتی اگر توزیع ثروت، وضعیت بهداشت و آموزش در آن‌ها اسفناک بود. امروزه سازمان ملل برای پوشش دادن به کاستی‌های HDI، شاخص‌های تکمیلی و پیچیده‌تری نظیر «شاخص توسعه انسانی تعدیل‌شده با نابرابری» (IHDI)، «شاخص توسعه جنسیتی» (GDI) و «شاخص فقر چندبعدی» (MPI) را نیز معرفی کرده است که تصویری بسیار دقیق‌تر از واقعیت‌های نابرابری در جوامع ارائه می‌دهند.

٤. گزینه ۲)

موضوع سوال: این سؤال به شناسایی یکی از مهم‌ترین مفاهیم در اقتصاد سیاسی و جامعه‌شناسی توسعه اقتصادی می‌پردازد که بر نقش عاملیت فردی و پویایی درونی اقتصاد تأکید دارد. هسته پرسش، پیوند مفهوم «کارآفرینی» (Entrepreneurship) و «روحیه کارفرمایی» با بنیان‌گذار نظری آن است. ژوزف شومپیتر به عنوان نخستین و برجسته‌ترین متفکری شناخته می‌شود که کارآفرین را موتور محرک توسعه سرمایه‌داری معرفی کرد.

پاسخ تشریحی: ژوزف شومپیتر (۱۹۵۰-۱۸۸۳)، اقتصاددان و جامعه‌شناس اتریشی-آمریکایی، در کتاب مشهور خود «نظریه توسعه اقتصادی» (۱۹۱۱) چارچوب تحلیلی نوینی را ارائه داد که در آن توسعه نه یک فرایند تدریجی و هماهنگ، بلکه جهشی، بی‌ثبات‌کننده و نامتوازن است. محور اصلی نظریه او، نقش حیاتی «کارآفرین» است. از نگاه شومپیتر، کارآفرین صرفاً یک مدیر تجاری یا سرمایه‌دار نیست، بلکه یک «نوآور» است که با ایجاد ترکیب جدیدی از عوامل تولید (ابداع کالای جدید، کشف بازار نوین، استفاده از مواد اولیه جدید یا سازماندهی جدید صنعتی) وضعیت تعادل ایستا را بر هم می‌زند. این نوآوری از طریق فرایند مشهور «تخریب خلاق» (Creative Destruction) ساختارهای کهنه اقتصادی را ویران کرده و ساختارهای نوین و کارآمدتری خلق می‌کند. انگیزه بنیادین این افراد، لزوماً انباشت ثروت نیست، بلکه «روحیه کارفرمایی»، میل به پیروزی، لذت آفرینش و اثبات برتری است.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۱ (آمارتیا سن): اقتصاددان هندی و برنده جایزه نوبل که مفهوم «توسعه به مثابه آزادی» و «رویکرد قابلیت» (Capability Approach) را مطرح کرده است. تمرکز او بر رفع محرومیت‌ها، عدالت توزیعی و گسترش انتخاب‌های انسانی است، نه روحیه کارفرمایی.

گزینه ۳ (گونار میردال): اقتصاددان نهادگرای سوئدی که با نظریه «علیت انباشتی» (Cumulative Causation) و کتاب مرجع «درام آسیایی» شناخته می‌شود. تمرکز او بر نابرابری‌های ساختاری، فقر نهادینه و نقش محوری دولت در برنامه‌ریزی توسعه بود.

گزینه ۴ (دانیل لرنر): جامعه‌شناس و نظریه‌پرداز برجسته مکتب نوسازی (Modernization) که با کتاب «گذر از جامعه سنتی» مشهور است. مفهوم کلیدی او در گذار جوامع از سنت به مدرنیته، «همدلی» (Empathy) یا توانایی روان‌شناختی فرد برای تصور خود در موقعیت‌های جدید، و همچنین نقش رسانه‌های جمعی در ایجاد این ویژگی بود.

نکات تکمیلی: دیدگاه شومپیتر درباره کارآفرین، مکمل و در عین حال متفاوت از مفهوم «اخلاق پروتستانی» ماکس وبر است. در حالی که وبر ریشه‌های شکل‌گیری سرمایه‌داری را در زهد دینی و تکلیف الهی (ریاضت‌کشی دنیوی) جستجو می‌کرد، شومپیتر آن را در ویژگی‌های فردی، شجاعت خطرپذیری و نبوغ نوآورانه کارآفرینان سکولار می‌دید. چند دهه بعد، دیوید مک‌کللند (David McClelland)، روان‌شناس مکتب نوسازی، این مفهوم شومپیتری را با ایده «انگیزه نیاز به پیشرفت» (Need for Achievement - nAch) پیوند زد و عامل روان‌شناختی کارآفرینی را در سطح کلان‌تری فرموله کرد.

٥. گزینه ۳)

موضوع سوال: سؤال حاضر به یکی از کلاسیک‌ترین و جریان‌سازترین مدل‌های اقتصاد توسعه، یعنی الگوی «اقتصاد دوگانه» (Dual Economy) می‌پردازد. هسته مرکزی این پرسش، تشخیص دقیق تبیین ساختاریِ ویلیام آرتور لوئیس از موانع توسعه در

کشورهای جهان سوم است. او علت اصلی توسعه‌نیافتگی را در تقابل و شکاف عمیق میان بخش سنتی (معیشتی) و بخش مدرن (سرمایه‌داری) جستجو می‌کرد و بر همین اساس، گزینه سوم بازتاب‌دهنده دقیق و وفادارانه نظریه اوست.

پاسخ تشریحی: ویلیام آرتور لوئیس (۱۹۹۱-۱۹۱۵)، اقتصاددان برجسته و برنده جایزه نوبل، در مقاله مشهور خود با عنوان «توسعه اقتصادی با عرضه نامحدود نیروی کار» (۱۹۵۴)، استدلال کرد که اقتصاد کشورهای توسعه‌نیافته خصلتی یکپارچه ندارد، بلکه از دو بخش کاملاً مجزا و دوگانه تشکیل شده است:

نخست، **بخش سنتی یا معیشتی (عمدتاً کشاورزی روستایی):** که ویژگی بارز آن مازاد شدید نیروی کار، بهره‌وری نهایی نزدیک به صفر (حتی پنهان) و دستمزدهای بسیار پایین در حد تأمین حداقل معاش است.

دوم، **بخش مدرن یا سرمایه‌داری (عمدتاً صنعتی شهری):** که پویا، سودآور، و در حال انباشت و سرمایه‌گذاری مجدد است.

از دیدگاه لوئیس، توسعه‌نیافتگی ناشی از تداوم این ساختار دوگانه و محبوس ماندن بخش عظیمی از منابع انسانی در بخش معیشتیِ راکد است. راهبرد توسعه در این مدل، انتقال مستمر نیروی کار مازاد از بخش سنتی به بخش مدرن است، تا جایی که این مازاد کاملاً جذب شده و دستمزدها و بهره‌وری در کل سیستم اقتصادی به تعادل برسد.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۱ (استثمار و امپریالیسم فرهنگی): این گزاره متعلق به پارادایم انتقادی، نظریه‌های امپریالیسم و مکتب وابستگی (نظیر اندیشه‌های آندره گوندر فرانک یا سمیر امین) است و با مدل اقتصاد خرد و کلانِ ساختارگرایانه لوئیس که نگاهی درون‌زا به پویایی بازار کار داشت، در تضاد است.

گزینه ۲ (فناوری ضعیف و غیر پیشران): اگرچه ضعف فناوری خصلت بارز بخش سنتی در مدل لوئیس محسوب می‌شود، اما این ضعف، «علت‌العلل» توسعه‌نیافتگی در دستگاه فکری او نیست، بلکه خود معلولی از همان «ساختار دوگانه اقتصاد» و عدم انتقال نیروی کار به بخش مدرن است.

گزینه ۴ (تأکید بر سنت‌های فرهنگی ایستا و غیر نوآور): این نوع تبیین، ریشه در مکتب نوسازی جامعه‌شناختی و روان‌شناختی (نظیر آرای تالکوت پارسونز، برت هوزلیتز یا الکس اینکلس) دارد که توسعه‌نیافتگی را به نظام ارزشی، موانع فرهنگی و سنت‌گرایی تقلیل می‌دادند. تحلیل لوئیس مطلقاً فرهنگی نبود، بلکه بر دوگانگی نهادهای مادی و اقتصادی استوار بود.

نکات تکمیلی: مدل دوگانه لوئیس در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ مبنای سیاست‌گذاری‌های کلان توسعه (با تمرکز شدید بر صنعتی‌سازی شهری به قیمت رهاسازی روستاها) قرار گرفت. با این حال، در دهه‌های بعد، اقتصاددانانی نظیر جان هریس و مایکل تودارو (در مدل هریس-تودارو) نشان دادند که فرضِ خوش‌بینانه لوئیس مبنی بر جذب آسان نیروی کار روستایی در بخش شهری، در عمل شکست خورده است. بخش مدرن در جهان سوم اغلب به دلیل استفاده از فناوری‌های کاربر-کاه، توان جذب سیل عظیم مهاجران را نداشت، که نتیجه آن شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشینی گسترده و بحران فقر شهری بود.

۶. گزینه ۱)

موضوع سوال: این پرسش به مبانی معرفت‌شناختیِ نظریه‌های نقد ادبی و جامعه‌شناسی ادبیات می‌پردازد. هسته مرکزی سؤال، رویکرد «متن‌محور» و طرد «نیت مؤلف» در تحلیل اثر ادبی است. ساختارگرایی در این ویژگی بنیادین (یعنی استقلال متن از پدیدآورنده و نادیده گرفتن زندگی‌نامه و مقاصد نویسنده)، بیشترین و دقیق‌ترین قرابت را با مکتب «فرمالیسم» (شکل‌گرایی) دارد.

پاسخ تشریحی: در تاریخ نقد ادبی، چرخش عظیمی از «مؤلف‌محوری» (تمرکز بر زندگی، روان‌شناسی و نیت نویسنده) به سمت «متن‌محوری» رخ داد.

مکتب **فرمالیسم روس** (در دهه‌های ۱۹۱۰ و ۱۹۲۰ با چهره‌هایی چون ویکتور شکلوفسکی و رومن یاکوبسن)، ادبیات را به مثابه یک ساختار زبانیِ مستقل و یک «ماشین» بررسی می‌کرد. فرمالیست‌ها معتقد بودند که برای درک یک اثر ادبی، نیازی به شناخت زندگی نویسنده، شرایط تاریخی یا نیت او نیست؛ بلکه منتقد باید منحصراً بر «فُرم»، تمهیدات ادبی، و ویژگی «آشنایی‌زدایی» (Defamiliarization) در درون خود متن تمرکز کند.

چند دهه بعد، **ساختارگرایی** (با الهام از زبان‌شناسی فردینان دو سوسور و با چهره‌هایی چون رولان بارت و کلود لوی‌استروس) همین مسیر را به شکلی نظام‌مندتر ادامه داد. ساختارگرایان ادبیات را به عنوان یک «نظام نشانه‌ای» تحلیل می‌کردند که معنای آن

نه توسط نیت یک سوژه (مؤلف)، بلکه توسط ساختارها و رمزگانِ (Codes) تقابل‌های دوتاییِ درون متن و نظام زبان تولید می‌شود. در هر دو مکتب، «نیت مؤلف» فاقد ارزش تحلیلی است.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۲ (تاریخ‌گرایی): تاریخ‌گرایی (و نقد بیوگرافیک) دقیقاً در نقطه مقابل ساختارگرایی و فرمالیسم قرار دارد. در این رویکرد، اثر ادبی بازتابی از شرایط اجتماعی-تاریخی دوران نویسنده است و برای درک متن، شناخت نیت مؤلف و بافت تاریخیِ خلق اثر کاملاً ضروری و حیاتی است.

گزینه ۳ (روایت‌شناسی): روایت‌شناسی (Narratology) اساساً یک رویکرد یا مکتبِ رقیب و هم‌عرض با ساختارگرایی نیست، بلکه یکی از زیرشاخه‌ها و محصولاتِ مستقیمِ خود ساختارگرایی است (توسط چهره‌هایی چون تزوتان تودوروف و ژرار ژنت). اگرچه روایت‌شناسی نیز به نیت مؤلف بی‌اعتناست، اما فرمالیسم به عنوان یک مکتب مستقل و پیشگام، پاسخ دقیق‌تری برای مقایسه «اشتراک سبک‌ها» در تاریخ نقد محسوب می‌شود.

گزینه ۴ (اسطوره‌گرایی): نقد اسطوره‌ای و کهن‌الگویی (با چهره‌هایی چون نورتروپ فرای و کارل یونگ) به دنبال کشف الگوهای تکرارشونده ناخودآگاه جمعی بشر در متون ادبی است. اگرچه این نقد نیز لزوماً درگیر نیت آگاهانه مؤلف نیست، اما متن را به الگوهای روان‌شناختی کلانِ بیرون از متن ارجاع می‌دهد، در حالی که فرمالیسم و ساختارگرایی به خودِ «درون‌ماندگاریِ متن» متکی هستند.

نکات تکمیلی: اوج این رویکردِ متن‌محور و مؤلف‌گریز در ساختارگرایی، در مقاله جریان‌ساز و مشهور رولان بارت با عنوان «**مرگ مؤلف**» (The Death of the Author) در سال ۱۹۶۷ تبلور یافت. بارت استدلال کرد که با تولد متن، مؤلف می‌میرد و معنای متن نه در مبدأ آن (نویسنده)، بلکه در مقصد آن (خواننده و رمزگان زبانی) شکل می‌گیرد. در سنت انگلیسی-آمریکایی نیز، رویکرد مشابهِ فرمالیسم به نام «نقد نو» (New Criticism)، با طرح مفهوم «**مغالطه نیت‌گرایانه**» (Intentional Fallacy) توسط ویمست و بردسلی، تأکید کرد که جستجوی مقاصد پنهان نویسنده برای ارزیابی اثر ادبی، هم ناممکن و هم گمراه‌کننده است.

۷. گزینه ۲)

موضوع سوال: این سؤال ماهیتی کاملاً تاریخ‌نگارانه و واقعیت‌محور (Factual) در حوزه پایه‌های پیدایش «جامعه‌شناسی ادبیات» دارد. هسته پرسش، شناسایی نویسنده یکی از نخستین و جریان‌سازترین آثاری است که پیوند میان فرم‌های ادبی و ساختارهای اجتماعی را تبیین کرده است. کتاب «درباره ادبیات و رابطه آن با نهادهای اجتماعی» (De la littérature considérée dans ses rapports avec les institutions sociales) شاهکار بلامنازع مادام دو ستال است.

پاسخ تشریحی: آن لوئیز ژرمن دو ستال-هولشتاین (۱۸۱۷-۱۷۶۶ میلادی)، مشهور به مادام دو ستال، نویسنده، فیلسوف و منتقد برجسته فرانسوی-سوئیسی بود. او در سال ۱۸۰۰ میلادی رساله مشهور خود با عنوان «ادبیات و رابطه آن با نهادهای اجتماعی» را منتشر کرد. ایده مرکزی و انقلابی او در این کتاب این بود که یک اثر ادبی در خلأ و صرفاً بر اساس نبوغ منزویِ نویسنده خلق نمی‌شود، بلکه بازتابی مستقیم از مذهب، قوانین، نهادهای سیاسی، آداب و رسوم، و حتی شرایط اقلیمی و جغرافیایی زمانه خویش است. این صورت‌بندی نظری، عملاً نخستین جرقه‌های نظام‌مند برای پایه‌گذاری دانشی بود که چند دهه بعد با عنوان «جامعه‌شناسی ادبیات» شناخته شد.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۱ (تی. اس. الیوت): توماس استرنز الیوت (۱۹۶۵-۱۸۸۸)، شاعر و منتقد بزرگ مدرنیست است. اگرچه او در مقالاتی نظیر «سنت و استعداد فردی» به رابطه نویسنده با بستر تاریخی ادبیات پرداخته است، اما رویکرد او بیشتر فرمالیستی و مبتنی بر نقد نو بود تا جامعه‌شناختی، و کتاب مطروحه در سؤال مطلقاً ارتباطی با وی ندارد.

گزینه ۳ (کنت کلارک): کنت مک‌کنزی کلارک (۱۹۸۳-۱۹۰۳)، مورخ هنر بریتانیایی و سازنده مجموعه مستند مشهور «تمدن» (Civilisation) است. تخصص او در حوزه تاریخ هنرهای تجسمی و معماری بود، نه نظریه‌پردازی در باب جامعه‌شناسی ادبیات قرن نوزدهم.

گزینه ۴ (ویکتور هوگو): غول ادبیات رمانتیک فرانسه و خالق آثاری چون «بینوایان» است. هوگو اگرچه در آثار داستانی خود عمیق‌ترین نقدهای اجتماعی را مطرح می‌کرد، اما نویسنده رساله نظریِ «ادبیات و رابطه آن با نهادهای اجتماعی» نبوده است.

نکات تکمیلی: مادام دو ستال با این اثر، راه را برای ظهور اندیشمندان بعدیِ جامعه‌شناسی ادبیات در قرن نوزدهم باز کرد؛ از جمله برجسته‌ترین آن‌ها ایپولیت تِن (Hippolyte Taine) بود. تِن با الهام از بینش‌های دو ستال، رویکرد پوزیتیویستی خود را در نقد ادبی بنا نهاد و فرمول مشهور سه‌گانه خود یعنی «نژاد، محیط، و لحظه تاریخی» (Race, Milieu, Moment) را به عنوان عوامل قطعی شکل‌دهنده به هر اثر ادبی و هنری معرفی کرد.

۸. گزینه ۳)

موضوع سوال: این سؤال به آرا و اندیشه‌های لوسین گلدمن (Lucien Goldmann)، جامعه‌شناس مارکسیست و بنیان‌گذار مکتب «ساختارگرایی تکوینی» اختصاص دارد. هسته پرسش، تشخیص سوژه اصلی و غایی آفرینش در تحلیل شاهکارهای ادبی از نگاه اوست. در دستگاه نظری گلدمن، نه فردِ نویسنده، بلکه گروه‌های اجتماعی و به‌طور اخص «طبقه»، فاعلِ حقیقی و خالق اصلی جهان‌نگریِ مستتر در یک اثر ادبی برجسته به شمار می‌رود.

پاسخ تشریحی: لوسین گلدمن (۱۹۷۰-۱۹۱۳)، با ترکیب رویکرد مارکسیستی (ماتریالیسم تاریخی) و ساختارگرایی، روش «ساختارگرایی تکوینی» (Genetic Structuralism) را ابداع کرد. مفهوم کانونی در نظریه او «جهان‌نگری» (Worldview یا Vision du monde) است. جهان‌نگری مجموعه‌ای منسجم از آرمان‌ها، افکار و احساساتی است که اعضای یک گروه اجتماعی خاص (به‌ویژه یک طبقه) را به یکدیگر پیوند می‌دهد و آن‌ها را در تقابل با طبقات دیگر قرار می‌دهد. گلدمن استدلال می‌کند که افراد عادی یک طبقه معمولاً این جهان‌نگری را به صورت مبهم و درهم‌ریخته تجربه می‌کنند، اما نویسنده برجسته و نابغه کسی است که موفق می‌شود این جهان‌نگری طبقاتی را به شکلی کاملاً منسجم و در قالب یک ساختار زیبایی‌شناختی (اثر ادبی) متبلور سازد. بنابراین، واحد تحلیل جامعه‌شناختی برای فهم یک اثر، فردِ نویسنده نیست، بلکه «طبقه اجتماعی» است که نویسنده نماینده و میانجیِ آگاهیِ جمعیِ آن محسوب می‌شود.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۱ (نژاد): تأکید بر نژاد به عنوان عامل شکل‌دهنده به ادبیات، متعلق به اندیشمندان پوزیتیویست قرن نوزدهم مانند ایپولیت تن (Hippolyte Taine) است. گلدمن به عنوان یک جامعه‌شناس نومارکسیست، تبیین‌های بیولوژیک و نژادی را در تحلیل جامعه‌شناختی هنر کاملاً مردود می‌شمارد.

گزینه ۲ (فرد): این گزینه در نقطه مقابل نظریه گلدمن قرار دارد. در مکاتب رمانتیک و نقد زندگی‌نامه‌ای، فردیتِ منزویِ مؤلف اصالت دارد، اما گلدمن نویسنده فردی را صرفاً مجرایی برای تبلور آگاهی جمعی یک گروه می‌داند و تأکید دارد که فرد به‌تنهایی هرگز نمی‌تواند خالق یک جهان‌نگری منسجم باشد.

گزینه ۴ (جامعه): مفهوم «جامعه» در کلیت و انتزاعِ خود، برای تحلیل دقیق تکوین یک اثر ادبی بسیار مبهم و وسیع است. جامعه همواره عرصه کشمکش طبقات و گروه‌های متعارض است. از نظر گلدمن، یک اثر ادبی بازتابِ کل جامعه نیست، بلکه بازتاب جهان‌نگریِ یک قطب خاص یعنی یک «طبقه» اجتماعی در درون آن جامعه است.

نکات تکمیلی: شاهکار تحلیلی لوسین گلدمن در پیاده‌سازی عملیِ این نظریه، کتاب مشهور «خدای پنهان» (The Hidden God) است. او در این کتاب نشان می‌دهد که چگونه تراژدی‌های ژان راسین و فلسفه بلیز پاسکال، بازتاب‌دهنده مستقیم جهان‌نگری تراژیکِ «نجبای جامه» (بخشی از اشرافیت فرانسه) در قرن هفدهم بوده‌اند که در اثر سیاست‌های سلطنت مطلقه دچار بحران جایگاه و انزوا شده بودند. این روش اثبات می‌کند که چگونه ساختار اثر ادبی با ساختار آگاهی یک طبقه اجتماعیِ خاص، همتا و هم‌ساخت (Homologous) است.

۹. گزینه ۲)

موضوع سوال: این سؤال به یکی از مباحث بنیادین در جامعه‌شناسی ادبیات، یعنی مفهوم «مصرف ادبی» (Literary Consumption) و انواع خواندن می‌پردازد. هسته پرسش، تمایز قائل شدن میان مواجهه زیبایی‌شناختی با متن (به عنوان یک هدف فی‌نفسه) و استفاده ابزاری از کتاب است. بر اساس نظریات جامعه‌شناسان ادبیات، به‌ویژه روبر اسکارپیت، خواندن منحصراً به قصد «کسب لذت» و تجربه هنری، مصداق بارز و اصیل مصرف ادبی است.

پاسخ تشریحی: در رویکرد جامعه‌شناسی ادبیات (به‌طور اخص در آرای روبر اسکارپیت در کتاب مشهور *جامعه‌شناسی ادبیات*)، کتاب به عنوان یک کالای فرهنگی دارای چرخه‌ای از تولید، توزیع و مصرف است. اما «مصرف ادبی» با مصرف سایر کالاها متفاوت

است. اسکارپیت بین استفاده از کتاب به عنوان یک شیء مادی یا ابزار، و مصرف آن به عنوان یک پدیده ادبی تفکیک قائل می‌شود. مصرف ادبیِ ناب زمانی رخ می‌دهد که انگیزه خواننده، منفعت‌طلبانه یا کاربردی نباشد. در این نوع مصرف، خواننده بدون هیچ‌گونه اجبار بیرونی، صرفاً برای لذت بردن از جهان تخیلی، فرم زبانی و تجربه زیبایی‌شناختی با متن ارتباط برقرار می‌کند (خواندنِ خودانگیخته و آزاد). تنها در چنین لحظه‌ای است که نوشته از روی کاغذ برمی‌خیزد و به یک «اثر ادبی» زنده تبدیل می‌شود.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۱ (خرید جهت پرستیژ اجتماعی): این مورد مصداق «مصرف تظاهری» (Conspicuous Consumption) به مفهوم وبلنی آن است. در اینجا کتاب اصلاً به عنوان یک متن خوانده نمی‌شود، بلکه به عنوان یک شیء دکوری و نماد پایگاه طبقاتی برای فخرفروشی فرهنگی مورد استفاده (یا دقیق‌تر بگوییم، مورد نمایش) قرار می‌گیرد و فاقد کارکرد ادبی است.

گزینه ۳ (خواندن جهت کسب فرهنگ): این نوع خواندن، «خواندن ابزاری» یا فایده‌گرایانه (Utilitarian Reading) نامیده می‌شود. فرد کتاب را می‌خواند تا معلومات خود را بالا ببرد، در آزمونی موفق شود یا در جامعه بافرهنگ جلوه کند. در اینجا متن وسیله‌ای برای رسیدن به یک هدف خارجی است، نه غایتی برای لذت.

گزینه ۴ (کتاب درمانی): کتاب‌درمانی (Bibliotherapy) استفاده از متون خواندنی برای کمک به درمان اختلالات روانی یا حل مشکلات عاطفی است. این نیز یک کارکرد بالینی و روان‌شناختی (کاربردی) برای کتاب محسوب می‌شود و در دایره مصرف زیبایی‌شناختی و ادبیِ محض قرار نمی‌گیرد.

نکات تکمیلی: بحث مصرف ادبی در دهه‌های بعد توسط نظریه‌پردازان مکتب کنستانس (نظریه دریافت) مانند هانس روبرت یاوس (Hans Robert Jauss) و ولفگانگ آیزر تعمیق یافت. آن‌ها استدلال کردند که خواننده یک مصرف‌کننده منفعل نیست، بلکه تولیدکننده نهایی معناست. لذت ادبی ناشی از پر کردنِ «جاهای خالی» (Gaps) متن توسط خواننده و درهم‌آمیزیِ افقِ انتظارات او با افقِ متن است. این دیدگاه نشان می‌دهد که مصرف ادبی، برخلاف مصرف مادی، متن را از بین نمی‌برد، بلکه آن را بازآفرینی می‌کند.

۱۰. گزینه ۴)

موضوع سوال: این سؤال به یکی از محوری‌ترین مفاهیم در جامعه‌شناسی رمان لوسین گلدمن می‌پردازد. هسته پرسش، شناخت تیپولوژی شخصیتیِ خاصی است که گلدمن آن را نماینده و موتور محرک فرم «رمان» می‌داند. گلدمن با وام‌گیری از اندیشه‌های گئورگ لوکاچ، کاراکتر اصلی رمان مدرن را «قهرمان پروبلماتیک» (مسئله‌دار یا مسئله‌ساز) می‌نامد.

پاسخ تشریحی: لوسین گلدمن در کتاب تأثیرگذار خود «درآمدی بر جامعه‌شناسی رمان»، به دنبال کشف پیوند ساختاری (هم‌ساختی) میان فرم رمان و ساختار جامعه سرمایه‌داری است. او استدلال می‌کند که رمان، حماسه دنیای تنزل‌یافته و شیء‌گشته (سرمایه‌داری) است؛ دنیایی که در آن «ارزش مبادله» جایگزین «ارزش مصرف» شده است. در چنین جهانِ اصالت‌باخته‌ای، قهرمان رمان نمی‌تواند یک قهرمان اسطوره‌ای یا بی‌نقص باشد. شخصیت اساسی رمان، «قهرمان پروبلماتیک» (Problematic Hero) است؛ یعنی فردی که در یک جامعه منحط و غیرانسانی، در جستجوی دیوانه‌وارِ ارزش‌های اصیل (Authentic Values) است. این قهرمان به این دلیل «پروبلماتیک» (مسئله‌دار) است که جستجوی او ماهیتی متناقض دارد؛ او به دنبال اصالت در دنیایی است که امکان تحقق آن را از بین برده است، و در نهایت این جستجو به شکست، سرخوردگی یا سازش تلخ می‌انجامد (مانند شخصیت‌های رمان‌های بالزاک یا استاندال).

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۱ (فرد آرمانی): فرد آرمانی و بی‌نقص، متعلق به ادبیات حماسی (Epic) و جهان باستان است که در آن فرد با کل جامعه و کیهان در هماهنگی کامل قرار دارد. در جهان مدرن و ازهم‌گسیخته رمان، قهرمان آرمانی جایگاهی ندارد و جای خود را به انسان‌های پرنقص و درگیر بحران می‌دهد.

گزینه ۲ (شخصیت اجتماعی): این یک مفهوم کلی و مبهم است. در رویکرد مارکسیستی متعارف، هنر رئالیستی ممکن است تیپ‌های اجتماعی را بازنمایی کند، اما گلدمن به طور خاص در تحلیل فرم رمان، از ترمینولوژی دقیق «قهرمان پروبلماتیک» برای نشان دادن بیگانگی فرد از ساختار اجتماعی استفاده می‌کند.

گزینه ۳ (شخصیت فردگرا): اگرچه قهرمان رمان ویژگی‌های به‌شدت فردگرایانه (Individualistic) دارد، اما کلمه «فردگرا» بار معنایی و ترمینولوژیک لازم برای توصیف نظریه گلدمن را ندارد. فردگرایی تنها یکی از صفات این قهرمان است، در حالی که «پروبلماتیک بودن» (تعارض لاینحل با جهان)، ذات و هسته ساختاریِ شخصیت او را در این نظریه تشکیل می‌دهد.

نکات تکمیلی: گلدمن در فرمول‌بندی جامعه‌شناسی رمان، علاوه بر مفهوم «قهرمان پروبلماتیک» لوکاچ (در کتاب *نظریه رمان*)، از مفهوم «میانجی‌گری» (Mediation) و «میل مثلثی» رنه ژیرار نیز بهره برد. گلدمن نشان داد که همان‌طور که در بازار آزاد، کالاها نه برای رفع نیاز مستقیم، بلکه برای کسب سود تولید می‌شوند (ارزش مبادله)، قهرمان رمان نیز به دنبال اشیایی است که ارزش آن‌ها نه ذاتی، بلکه ناشی از ارزش‌گذاری و میل دیگران است (میل میانجی‌گرانه). این هم‌ساختی درخشان، رمان را به هنری‌ترین تجلیِ تضادهای اقتصاد بازار تبدیل می‌کند.

۱۱. گزینه ۳)

موضوع سوال: این سؤال به یکی از مباحث پایه‌ای در درس «بررسی مسائل اجتماعی» می‌پردازد که در آن، هر مسئله اجتماعی (نظیر فقر و نابرابری) از دریچه سه ایدئولوژی سیاسی اصلی (محافظه‌کاری، لیبرالیسم و رادیکالیسم) تحلیل می‌شود. هسته پرسش، رویکرد «لیبرال‌های مدرن» به ریشه‌های نابرابری است. در ادبیات جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی، لیبرال‌ها نابرابری را نه ناشی از ضعف فردی، بلکه معلول موانع ساختاری نظیر «پیش‌داوری و تبعیض» نهادینه می‌دانند.

پاسخ تشریحی: در متون مرجع جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی (به‌ویژه آثار اندیشمندانی چون جان مک‌یونیس یا توماس سالیوان)، تبیین نابرابری و فقر در سه طیف فکری صورت‌بندی می‌شود:

نخست، **محافظه‌کاران (Conservatives)**: این گروه ریشه نابرابری را در تفاوت‌های فردی (استعداد، تلاش و مسئولیت‌پذیری) جستجو می‌کنند. آن‌ها معتقدند که بازار آزاد به هر کس بر اساس شایستگی‌اش پاداش می‌دهد و فقر معمولاً ناشی از انتخاب‌های غلط فردی یا شکل‌گیریِ «فرهنگ فقر» است.

دوم، **لیبرال‌ها (Liberals – در مفهوم مدرن و اجتماعی آن)**: لیبرال‌ها بر خلاف محافظه‌کاران، جامعه و ساختارهای آن را مسئول اصلی نابرابری می‌دانند. از نگاه آنان، دلیل اصلی اینکه برخی افراد در پایین‌ترین دهک‌های اقتصادی قرار می‌گیرند، کمبود استعداد یا تلاش نیست، بلکه وجود ساختارهای ناعادلانه، عدم دسترسی برابر به فرصت‌های آموزشی و شغلی، و از همه مهم‌تر «**پیش‌داوری و تبعیض**» (نژادی، جنسیتی، قومی و طبقاتی) است. راه‌حل لیبرال‌ها برای رفع این مسئله، مداخله مثبت دولت (مانند برنامه‌های رفاهی و تبعیض مثبت) برای ایجاد فرصت‌های برابر است.

سوم، **رادیکال‌ها (Radicals / مارکسیست‌ها)**: از این منظر، نابرابری ویژگی ذاتی و گریزناپذیر نظام سرمایه‌داری است که بر پایه استثمار طبقه کارگر و انباشت ثروت در دست اقلیتی کوچک بنا شده است.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۱ (مداخلات دولت): این گزاره دقیقاً دیدگاه جناح راست محافظه‌کار (و نئولیبرال‌های اقتصادی) است. آن‌ها معتقدند برنامه‌های رفاهی و مداخلات دولت، با ایجاد وابستگی (Dependency) و از بین بردن انگیزه کار، خود عامل تشدید فقر و نابرابریِ غیرطبیعی هستند.

گزینه ۲ (تفاوت‌های فرهنگی): این نگاه نیز متعلق به محافظه‌کاران است که با طرح تئوری‌هایی نظیر «فرهنگ فقر» (اسکار لوئیس)، فقر را به ارزش‌ها، هنجارها و سبک زندگیِ خرده‌فرهنگیِ خودِ فقرا تقلیل می‌دهند. لیبرال‌ها به‌شدت با این رویکردِ «سرزنش قربانی» (Blaming the Victim) مخالف‌اند.

گزینه ۴ (سودجویی بخش خصوصی): این تحلیل متعلق به طیف رادیکال و چپ مارکسیستی است که استثمار کاپیتالیستی و میل سیری‌ناپذیر به سود در بخش خصوصی را عامل اصلی شکل‌گیری طبقات فرودست می‌داند. لیبرال‌ها اصل نظام سرمایه‌داری را می‌پذیرند، اما خواهان اصلاح و انسانی‌تر کردن آن از طریق رفع تبعیض هستند.

نکات تکمیلی: یکی از چالش‌های مفهومی در این سؤال، تفاوت میان «لیبرالیسم کلاسیک» و «لیبرالیسم مدرن (اجتماعی)» است. لیبرالیسم کلاسیک (در قرون ۱۸ و ۱۹) بر بازار آزاد و حداقلِ مداخله دولت تأکید داشت که امروزه با عنوان نئولیبرالیسم یا محافظه‌کاری اقتصادی شناخته می‌شود (هم‌سو با گزینه ۱). اما در ادبیات معاصر سیاسی آمریکا و جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی،

واژه «لیبرال» به طیف چپِ میانه‌رو (Social Liberals) اطلاق می‌شود که مدافع حقوق مدنی، دولت رفاه، و مبارزه سیستماتیک با تبعیض‌های ساختاری هستند. طراح سؤال دقیقاً بر همین مفهوم مدرن و جامعه‌شناختی تکیه کرده است.

۱۲. گزینه ۲)

موضوع سوال: این سؤال به مختصات بوم‌شناختی و جمعیت‌شناختیِ یکی از حادترین معضلات جامعه‌شناسی شهری و بررسی مسائل اجتماعی، یعنی پدیده «بی‌خانمانی» (Homelessness) می‌پردازد. هسته مرکزی پرسش، درک خاستگاه فضایی و جغرافیایی این پدیده در دوران مدرن است. در ادبیات جامعه‌شناختی، بی‌خانمانی پیوندی ساختاری و ناگسستنی با پیامدهای شهرنشینی سرمایه‌دارانه دارد و یک «مسئله اساساً شهری» محسوب می‌شود.

پاسخ تشریحی: بی‌خانمانی در جوامع معاصر، معلول مستقیم سازوکارهای اقتصاد شهری است. کلان‌شهرها به دلیل ویژگی‌های ذاتی خود، کانون اصلی تولید و بازتولید این پدیده هستند. عواملی نظیر تجاری‌شدنِ فضا، هزینه‌های سرسام‌آور مسکن (بحران استطاعت مسکن)، تورم شهری و فرایندهایی نظیر اعیان‌سازی (Gentrification)، اقشار آسیب‌پذیر را به حاشیه رانده و نهایتاً به خیابان‌خوابی سوق می‌دهند. از سوی دیگر، شهرها به دلیل دارا بودن امکانات بقای روزمره (مانند دسترسی به پسماندهای قابل بازیافت برای کسب درآمد خرد، تکدی‌گری، و حضور نهادهای حمایتی و گرمخانه‌ها)، این جمعیت طردشده را به سوی خود جذب و در خود متمرکز می‌کنند. بنابراین، بی‌خانمانی نه یک پدیده روستایی، بلکه محصول و نماد بارز تضادهای ساختار شهری است.

بررسی سایر گزینه ها:

گزینه ۱ (اکثر بی‌خانمان‌ها شدیداً کار می‌کنند): این گزاره نادرست است. ویژگی بارز بی‌خانمانی، «طرد اجتماعی» (Social Exclusion) و خروج کامل از بازار کار رسمی است. اگرچه ممکن است برخی از آن‌ها به مشاغل کاذب، غیررسمی یا فصلی بپردازند، اما «اکثریت» آن‌ها درگیر بیکاری مزمن، ناتوانی جسمی/روانی یا اعتیاد هستند و امکان کار شدید و منظم را ندارند.

گزینه ۳ (بی‌خانمان‌ها، لزوماً فقیرترین فقرا نیستند): بی‌خانمان‌ها دقیقاً تجسم عینی «فقر مطلق» (Absolute Poverty) و پایین‌ترین لایه در قشربندی اجتماعی یا اصطلاحاً «زیرطبقه» (Underclass) هستند. کسی که توانایی تأمین ابتدایی‌ترین نیاز بیولوژیک و امنیتی انسان یعنی سرپناه را از دست داده است، در زمره فقیرترین فقرا دسته‌بندی می‌شود.

گزینه ۴ (بی‌خانمان‌ها به حمایت اجتماعی دسترسی ندارند): فقدان سرپناه به معنای قطع کامل و مطلق از همه انواع حمایت‌ها نیست. در اکثر جوامع، شبکه‌هایی از حمایت‌های دولتی، شهرداری‌ها (نظیر مددسراها و گرمخانه‌ها) و همچنین خیریه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) وجود دارند که حداقل‌هایی از تغذیه و خدمات پزشکی را برای این گروه فراهم می‌کنند.

نکات تکمیلی: در مطالعات اخیر شهری، مفهوم «بی‌خانمانی نوین» (New Homelessness) مطرح شده است. در دهه‌های گذشته، بی‌خانمان‌ها عمدتاً مردان مسن، مجرد و درگیر اعتیاد بودند؛ اما امروزه به دلیل سیاست‌های نئولیبرالی در کاهش رفاه و افزایش بی‌رویه اجاره‌بها، ترکیب جمعیتی بی‌خانمان‌ها تغییر کرده و بخش قابل‌توجهی از آن‌ها را زنان، جوانان و حتی خانواده‌هایی تشکیل می‌دهند که صرفاً به دلیل «فقر درآمدی» قادر به حفظ سرپناه خود در شهرها نیستند.

۱۳. گزینه ۱)

موضوع سوال: این سؤال به بررسی دقیقِ تفاوت‌های مفهومی میان نظریه‌پردازان کلاسیک در حوزه آسیب‌شناسی اجتماعی می‌پردازد. هسته مرکزی پرسش، فهم تعریف خاص چارلز هورتون کولی (C.H. Cooley) از مفهوم «بی‌سازمانی اجتماعی» (Social Disorganization) است. در دستگاه فکری او، بی‌سازمانی با اضمحلال پیوندهای نخستین و از بین رفتن سنت‌ها گره خورده است و لذا گزینه «فروپاشی سنت‌ها» دقیق‌ترین بازتاب از نظریه اوست.

پاسخ تشریحی: چارلز هورتون کولی (۱۹۲۹-۱۸۶۴)، از بنیان‌گذاران مکتب کنش متقابل نمادین، در کتاب کلاسیک خود «سازمان اجتماعی» (۱۹۰۹)، جامعه را یک کلِ ارگانیک می‌داند که بر پایه «گروه‌های نخستین» (Primary Groups) نظیر خانواده، هم‌بازی‌ها و همسایگان بنا شده است. این گروه‌ها بستر اصلی انتقال سنت‌ها، اخلاقیات و ایجاد «احساسِ ما» (We-feeling) هستند. کولی دو وضعیت بیمارگونه را برای جامعه متصور است: «فرمالیسم» (قالب‌گرایی و سلطه بیش‌ازحدِ مکانیسم‌ها و قواعد خشک) و در نقطه مقابل آن «بی‌سازمانی» (Disorganization). از منظر کولی، بی‌سازمانی اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که چارچوب سنتی و آرمان‌های اخلاقیِ گروه‌های نخستین دچار **فروپاشی** (Breakdown / Collapse) شوند. در این حالت،